

تحلیل انتقادی اقوال دگراندیشان مصر و ایران در تفسیر آیات حجاب (مطالعه موردی عرفی خواندن حجاب و وجوب حجاب به حکم ثانوی)

اعظم اسداللهی^۱

چکیده

در دوره معاصر، برخی نواندیشان دینی با ارائه خوانش‌های جدید از آیات حجاب، وجوب ذاتی آن را به چالش کشیده و نظریه‌هایی مانند «عرفی بودن پوشش سر» یا «وجوب ثانوی مشروط به مصلحت عرفی» را مطرح کرده‌اند. این دیدگاه‌ها که توسط افرادی مانند محمد عشماوی، نوال سعداوی، امیرحسین ترکاشوند، محسن کدیور و عبدالکریم سروش تبیین شده، نیازمند بررسی و نقدی دقیق است. هدف این تحقیق، واکاوی و نقد نظام‌مند ادله این دیدگاه‌ها و ارزیابی میزان انطباق آن‌ها با ادله معتبر شرعی است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد انتقادی، ابتدا به تبیین آرای مذکور پرداخته و سپس مستندات آن‌ها را در دو محور اصلی «عرفی خواندن حجاب» و «وجوب آن به حکم ثانوی» مورد تحلیل و نقد قرار داده است. یافته‌ها حاکی از این است که استدلال‌های نواندیشان در سرفصل‌های مختلف از جمله تأسی به شأن نزول تمایزکنند. (عشماوی، سعداوی) استناد به سیره زنان بادیه‌نشین و اهل ذمه (ترکاشوند) تمسک به ظواهر برخی روایات (سعداوی، ترکاشوند) تأکید بر سیره متغیر عقلا (کدیور) و استناد به اقوال شاذ فقها مانند محقق اردبیلی (کدیور)، از ضعف‌های استنادی و روشی رنج می‌برند. این ادله در مواجهه با ادله اربعه قائلان به وجوب شرعی حجاب، شامل نصوص صریح قرآنی (مانند آیات سوره نور و احزاب) سنت قطعی عملی و تقریری معصومین (علیهم‌السلام) اجماع تاریخی فقهای شیعه و سنی و دلایل عقلی ناظر به فلسفه حجاب، ناتوان هستند. نتیجه آن که وجوب حجاب، حکمی ثابت، اولی و غیرقابل تخفیف است و عرف تنها در تعیین چگونگی و کیفیت اجرای این حکم ثابت نقش دارد.

واژگان کلیدی: حجاب عرفی، وجوب حجاب به حکم ثانوی، دگراندیشان مصر و ایران، آیات حجاب

^۱. طلبه سطح ۴ موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه قم، معاون پژوهش مدرسه علمیه تخصصی کوثر قزوین.

مقدمه

حجاب، به عنوان یکی از احکام اجتماعی اسلام، همواره جایگاهی محوری در منظومه فقهی-اخلاقی این دین داشته و مباحث گسترده‌ای را در حوزه‌های تفسیری، فقهی، کلامی و جامعه‌شناختی برانگیخته است. آیات مربوط به حجاب در سوره‌های نور و احزاب، طی قرون متمادی، مورد اجماع اکثریت قاطع مفسران و فقهای مسلمان، اعم از شیعه و سنی، قرار گرفته و وجوب شرعی پوشش سر و بدن برای زنان مسلمان را به عنوان حکمی ثابت، اولی و غیرقابل تشکیک به اثبات رسانده است. این فهم سنتی، ریشه در نصوص قرآنی، سنت قطعی نبوی و علوی، و نیز اجماع تاریخی امت اسلامی دارد. در دهه‌های اخیر، با ظهور جریان‌های فکری موسوم به «نواندیشی دینی» یا «رویکردهای تفسیری مدرن»، پارادایم مسلط در فهم این احکام با چالش‌های جدی مواجه شده است. اندیشمندانی همچون محمد عثماوی، نوال سعداوی، امیرحسین ترکاشوند، محسن کدیور با ارائه خوانش‌هایی نوین از آیات حجاب، سعی در بازتعریف ماهیت این حکم داشته‌اند. محور اصلی این خوانش‌ها، تقلیل حکم حجاب از یک «واجب شرعی ثابت» به یک «امر عرفی» یا «واجب ثانوی» مشروط به مصلحت زمان و مکان است. آنان با استناد به دلایلی همچون «شان نزول تمایزکننده» (برای جداکردن زنان آزاد از کنیزان)، «سیره زنان بادیه‌نشین و اهل ذمه»، «ظواهر برخی روایات»، «تغییر سیره عقلا» و «اقوال معدود و شاذ برخی فقها»، استدلال می‌کنند که پوشش سر، فاقد وجوب ذاتی بوده و تابع عرف و شرایط اجتماعی هر جامعه است. این ادعاها، در صورت پذیرش، می‌تواند مبانی فقهی و اجتماعی جوامع اسلامی را دستخوش تغییرات بنیادین کند. بنابراین، بررسی صحت و سقم این ادله، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

هدف اصلی این مقاله، نقد و واکاوی نظام‌مند ادله مطرح‌شده از سوی نواندیشان در وجوب ذاتی حجاب است. از این رو تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد انتقادی در پی آن است تا با تحلیل و ارزیابی این استدلال‌ها در مواجهه با ادله چهارگانه سنتی (کتاب، سنت، عقل و اجماع)، نشان دهد که آیا این ادعاها، نوین از اتقان و استحکام کافی برای زیر سؤال بردن فهم تاریخی و فقهی مسلمانان برخوردار هستند یا خیر. در یک کلام، پرسش اصلی این است که آیا ادله نواندیشان دینی برای عرفی یا ثانوی خواندن حکم حجاب، می‌تواند در تقابل با نصوص صریح شرعی و اجماع تاریخی فقها مقاومت کند؟

ضرورت انجام این تحقیق پاسخ به شبهات نوظهور و دفاع از مبانی دینی با روشی استدلالی و محققانه، وظیفه‌ای علمی است که غفلت از آن می‌تواند به تدریج، دیگر احکام مسلم شرعی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. از طرفی حجاب به عنوان یک نماد هویتی و یک نهاد اجتماعی، تأثیر مستقیمی بر حیات اجتماعی جوامع اسلامی دارد. ارائه تحلیل دقیق از ادله طرفین، به شفاف‌سازی فضای فکری جامعه و پیشگیری از التهاب‌های اجتماعی ناشی از برداشت‌های متعارض کمک می‌کند. با بررسی پژوهش‌های پیشین در زمینه بررسی اقوال

دگراندیشان، کتاب نقدی بر آرای دگراندیشان و نومعتزلیان در عقل عربی، محمد پور فیاض (۱۴۰۳)، کتاب نقدی بر آرای دگراندیشان و نومعتزلیان در عقل فارسی، احمد فرحانی (۱۴۰۳)، مقاله قرائت‌های نو از آیات حجاب، محمد بهرامی (۱۳۸۶)، مقاله دگراندیشان عرب و اسباب نزول آیات حجاب، محمد فرجاد (۱۳۸۶)، مقاله نوادعاهایی در باب حدود پوشش زن مسلمان و نقد آن با توجه به آیات قرآن، معصومه ایمنی و همکاران (۱۳۹۹)، مقاله تحلیل انتقادی اندیشه‌های قرآنی محمد عابد الجابری، زهرا اسلامی (۱۴۰۲) یافت شد که در هر یک به بخشی از مبانی و اقوال دگراندیشان در زمینه‌های مختلف بویژه حجاب پرداخته شده است، ولی اثری در زمینه تحلیل دیدگاه دگراندیشان در مورد عرفی خواندن حجاب و وجوب آن به حکم ثانوی یافت نشد؛ لذا مقاله حاضر از این جهت دارای نوآوری است. مقاله حاضر در دو بخش اصلی سازماندهی خواهد شد: بخش اول، تبیین آراء نواندیشان: در این بخش، دیدگاه‌های مختلف در عرفی خواندن حجاب یا قائل شدن به وجوب ثانوی برای آن، همراه با ادله اصلی هرکدام به تفکیک ارائه می‌گردد. بخش دوم، نقد و بررسی ادله: این بخش، هسته اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد و به نقد نظام‌مند ادله مطرح‌شده در بخش اول خواهد پرداخت.

مفهوم شناسی

اولین گام در تدوین مقالات علمی بررسی واژگان پرکاربرد آن مقاله است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

حکم اولیه و ثانویه

حکم به لحاظ حالات و شرایط حاکم بر مکلف به دو دسته احکام اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود. حکم واقعی اولی، فرمانی است که بر افعال و ذوات به لحاظ عناوین اولی آن‌ها و بدون در نظر گرفتن حالات استثنائی مکلف قرار می‌گیرد؛ مثل وجوب نملز، حرمت نوشیدن خمر که خداوند با توجه به مصلحت و مفسده واقعی که در اشیاء وجود دارد، جعل حکم وجوب و حرمت نموده است. بر این اساس حکم ثانویه عبارت است از جعل وجوب و حرمت بر اساس مصلحت یا مفسده‌ای که از وضع و شرایط ویژه‌ای مانند اضطرار و اکراه ناشی می‌شود، مانند تیمم برای فردی که به آب دسترسی ندارد.^۲

عرف

عرف از نظر لغوی در معاجم به سه معنا ذکر شده است: معرفت و شناسایی؛ امر پسندیده و سکون و طمأنینه.^۳ ابن منظور عرف را به معنای آن «چیزی که نفس آدمی آن را نیکو شناسد، بدان خو گیرد و آرامش یابد»، تعریف

^۲. مشکینی، اصطلاحات الاصول، ص ۱۲۱.

^۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۸۱؛ فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۱۲۱؛ جرجانی، التعریفات، ص ۶۴.

کرده است.^۴ اصطلاح فقهی عرف به معنای «میل و گرایش عمومی انسان به امری است در مسیری معین که مخالف شرع نباشد و به تعبیر دیگر «روش عمومی مردم است که از مصلحت اندیشی سرچشمه می گیرد و برای حفظ فرد و جامعه سامان یافته است.»^۵ از منظر علم حقوق عرف «قاعده‌ای که به تدریج میان همه مردم یا گروهی از آن‌ها الزام آور شده،» معنا شده است.^۶

۱- اقوال در عرفی خواندن و وجوب حجاب به حکم ثانوی

نواندیشان در تفسیر آیات حجاب اقوال متعددی را برشمردند که برخی در فصول گذشته مورد بررسی قرار گرفت؛ یکی دیگر از آرای متجددان در تفسیر این آیات عرفی خواندن حجاب و وجوب آن به حکم ثانوی است. افرادی همچون عشماوی، نوال سعداوی، ترکاشوند، کدیور، حجاب را امری عرفی خوانده، وجوب آن را به ایجاب مصلحت جامعه در دوران‌های مختلف منوط می‌کنند. البته برخی از این اندیشمندان مثل ترکاشوند و عشماوی، سعداوی عرف عصر پیامبر ﷺ را ملاک عرفی خواندن در نظر گرفته، آیه را مربوط به عصر نزول و عرف آن زمان می‌خوانند که در حال حاضر با تغییر شرایط، کارایی ندارد. به عنوان نمونه عشماوی معتقد است زندگی مردم در زمان قبل از اسلام و زمان صدر اسلام حکایت از آن دارد که پوشش جزء عادات اجتماعی و عرفی است و هیچ ربطی به دین و شریعت ندارد؛ بلکه آنچه در دین و شریعت اهمیت دارد رعایت عفت و پاکی است. زیرا با مطالعه تاریخ پیامبر ﷺ می‌بینیم که برخی زنان نقاب می‌زدند و برخی مقنعه می‌پوشیدند و برخی خمار بر سر می‌نهادند و برخی هم بدون پوشش بودند. او گونه‌های متعدد پوشش در ملل مختلف را دلیلی بر ادعای خود می‌داند که نحوه پوشش و نوع البسه هر قومی جزء مسائل عرفی و در زمره عادات و سنن آن قوم است که با وجود اختلاف اعتقادات دینی اقوام می‌تواند مشابه یا متفاوت باشد. بدین ترتیب او با خلط میان اصل پوشش و گونه‌های پوشش می‌کوشد پوشاندن سر زن را کاملاً بی ربط به دستورات دینی و مرتبط با مسائل عرفی هر جامعه معرفی کند.^۷

ولی برخی از متجددان مانند کدیور با در نظر گرفتن احکام اولیه و ثانویه عرف عصر حاضر را هم لحاظ می‌کنند و معتقداند با تغییر شرایط در عصر حاضر هم حجاب به عنوان حکم ثانوی واجب خواهد شد. کدیور در تحلیل جدید خود، حکم شرعی حجاب را به دو بخش اصلی تقسیم کرده است: بخش اول، به حکم اولیه مربوط می‌شود که طبق آن، پوشاندن بدن از زیر گردن تا زیر زانو و بازوان برای زنان ضروری است. این

^۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۲۹.

^۵. صدر، المعالم الجدیدة للاصول، ج ۹، ص ۱۶۸.

^۶. کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ص ۱۷۸.

^۷. ر.ک: طیبی، نقد و بررسی اندیشه‌های محمد سعید عشماوی در کتاب «حقیقه الحجاب و حجیه الحدیث»، ص ۶۹ _ ۷۴

پوشش باید به گونه‌ای باشد که لباس نه تنگ باشد، نه چسبان، و نه نازک و بدن‌نما. این حکم ثابت است و هیچ‌گونه تغییر زمانی یا مکانی ندارد، مگر در شرایط خاصی همچون ضرورت‌های پزشکی. بخش دوم، به حکم ثانوی تعلق دارد که تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی قرار می‌گیرد. در جوامعی که پوشاندن سر و گردن به عنوان عرف پذیرفته شده باشد و عدم رعایت آن منجر به فساد یا آسیب به عفاف شود، پوشاندن این بخش‌ها برای زنان واجب است. در غیر این صورت، در جوامعی که چنین عرفی وجود ندارد، پوشاندن این قسمت‌ها الزامی نیست و طبق آیه ۳۱ سوره نور، از زینت‌های ظاهر به شمار می‌آید که می‌توان آن‌ها را نپوشاند.^۸

۲- ادله و نقد آرای معاصرین

آرای نواندیشان معاصر به دو دسته تقسیم شد، یکی عرفی خواندن حجاب و دوم، وجوب پوشش سر و گردن به حکم ثانوی که در ذیل در دو تیتیر مجزا ادله هر دیدگاه بررسی و نقد خواهد شد:

۲-۱- ادله معاصرین در عرفی خواندن حجاب

این گروه با در نظر گرفتن آیات حجاب اقوالی را در عرفی خواندن حجاب مطرح نموده‌اند که در ذیل مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. قبل از بررسی ادله نواندیشان باید مشخص گردد که آیا حجاب حکمی شرعی است یا عرفی؟! آیا شرع محدوده پوشش را تعیین می‌کند یا عرف؟! احکامی که در اسلام بیان می‌شود، دو دسته است: گاهی شارع هم حکم را بیان می‌کند هم موضوع حکم را مشخص می‌کند؛ به عنوان نمونه در بحث نماز مسافر (المسافر یقصر) شارع مشخص کرد که چه کسی مسافر است. کسی که هشت فرسخ راه را طی کرده باشد، مسافر است. ولی گاهی حکم را بیان کرده، ولی موضوع را تعیین نمی‌کند؛ مثلاً در آیه «عاشروهن بالمعروف» حکم معاشرت به معروف را بیان نموده، ولی حدود این معاشرت به معروف را تعیین نکرده است، از این رو با توجه به عرف جامعه حدود معاشرت به معروف مشخص خواهد شد. در مورد حجاب، شارع هم حکم را ارائه نموده، هم موضوع حکم و محدوده پوشش را مشخص کرده است، از این رو حجاب کاملاً شرعی است و ربطی به عرف ندارد. با این مقدمه به نقد و بررسی دیدگاه قائلان به حجاب عرفی پرداخته می‌شود:

دلیل اول: تأسی به شأن نزول

برخی از نواندیشان با تأسی به شأن نزول آیه ۳۱ سوره نور گفته‌اند که منظور آیه این بوده که زنان آزاد خود را بپوشانند و حجاب را رعایت کنند تا به واسطه پوشش از کنیزان شناخته شوند و مورد آزار و اذیت افراد

^۸. ر.ک: کدیور، مسأله حجاب، وبسایت رسمی محسن کدیور، ۱۳۹۱/۱۰/۲۰.

همراه همسر برای مداوای مجروحان و پرستاری بیماران در شش غزوه حاضر بودم. خواهرم از رسول خدا ﷺ پرسید که اگر جلباب نداشته باشیم، مجاز ایست از خانه خارج نشویم و برای این امور مهیا نگردیم؟ حضرت ﷺ فرمودند: از جلباب خواهرش استفاده کند و در امور خیر حاضر شود.^{۳۶} یا روایتی از ام سلمه نقل شده است که «لما نزلت هذه الآية: «يَذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مَنْ جَلَابِيهِنَّ» خرج نساء الانصار كان علي رؤوسهن الغربان من اكسية سود يلبسناها»^{۳۷} و این نشان می‌دهد وقتی که این آیه نازل شد زنان انصار از خانه‌ها خارج شدند، به گونه‌ای که گویا کلاغ‌های سیاه بر سرشان نشسته است، به خاطر لباس‌های سیاهی که پوشیده بودند. بنابراین روایات حاکی از این است که در منابع روایی مؤیدات فراوانی بر تأکید پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام بر پوشش سر و گردن موجود است.

نقد و بررسی ادعای چهارم

ادعای چهارم مبنی بر اینکه پوشش موی سر فهم صحابه است نه نص، بنابراین قابل استناد نیست، ادعای دقیقی نیست. همانطور که اشاره شد، آیات قرآن به گونه‌ای هستند که مفسران اولیه (از جمله صحابه) وجوب پوشش موی سر را از آنها استنباط کرده‌اند. فهم صحابه مانند ابن عباس و ابن مسعود، که خود از مبلغان قرآن و شاگردان مستقیم پیامبر بودند، حجیت بسیار بالایی در فهم نص قرآنی دارد. اجماع صحابه بر یک موضوع، خود می‌تواند دلیل شرعی محسوب شود.

نقد و بررسی ادعای پنجم

ادعای پنجم درباره تاریخ روایات شیعی، اگرچه از نظر تاریخی ممکن است درست باشد، اما اعتبار سندی و محتوایی این روایات نزد فقهای شیعه مورد تأیید است. فقهای شیعه برای از این روایات به عنوان بخشی از ادله چهارگانه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) برای استنباط حکم وجوب پوشش موی سر استفاده کرده‌اند. قدیمی نبودن یک روایت به معنای عدم حجیت آن نیست، به شرطی که سند آن معتبر و محتوایش با قرآن و سنت قطعی هماهنگ باشد.

نقد و بررسی ادعای ششم

ادعای ششم مبنی بر عدم وجود دلیل معتبر بر گناه بودن ترک روسری، برخلاف اجماع تاریخی فقهاست. تمام مذاهب فقهی اسلامی (جز برخی گرایش‌های بسیار محدود و جدید) بر وجوب پوشش موی سر برای زنان در مقابل نامحرم اتفاق نظر دارند. ترک واجب شرعی، طبق قاعده عقلی و شرعی "تَرْكُ الْوَاجِبِ مُحَرَّمٌ" خود گناه

^{۳۶} بخاری، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، محقق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت، دار طرق النجاة، ۱۴۲۲ق.

^{۳۷} سیوطی، ج ۵، ص ۲۲۱. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

محسوب می‌شود.^{۳۸} البته نوع و شدت مجازات اخروی آن در دست خداست، اما به طور کلی انجام ندادن تکلیف شرعی، عواقب اخروی دارد.

نقد و بررسی ادعای هفتم

ادعای هفتم که امکان متدین و عفیف بودن بدون روسری را مطرح می‌کند، بیشتر یک دیدگاه شخصی است تا یک موضع فقهی. از منظر شرعی، حجاب و پوشش سر یکی از احکام ضروری و معروف اسلام است که جزء شرایع مسلم به شمار می‌رود. تقوا به قلب مربوط می‌شود، اما تجلی آن رعایت احکام شرعی از جمله حجاب است. نمی‌توان یکی از احکام واضح شرعی را نادیده گرفت و ادعای تدین کامل داشت.^{۳۹}

نقد و بررسی ادعای هشتم

ادعای هشتم درباره نسبی بودن پوشش با عرف، تا حدی درست است، اما در محدوده خاصی معنا دارد. فقه اسلامی پذیرفته که برخی جزئیات پوشش (مانند رنگ، جنس، مدل) تابع عرف است، اما خود اصل وجوب پوشش موی سر و بدن (به جز صورت و دستها از مچ به پایین طبق نظر مشهور) یک حکم ثابت شرعی است و تابع عرف نیست. عرف نمی‌تواند یک حکم قطعی منصوص را لغو یا تغییر دهد. در نتیجه، ادعاهای مطرح شده عمدتاً بر تفسیرهای شخصی، خوانش‌های مدرن یا برداشت‌های محدود از نص استوار است و با دیدگاه اکثریت قاطع علمای اسلام در طول تاریخ، اعم از شیعه و سنی، که پوشش موی سر را واجب می‌دانند، در تعارض است.

نتیجه‌گیری

بحث پیرامون حجاب و تفسیر آیات مربوط به آن، از دیرباز مورد توجه مفسران و فقهای اسلامی بوده است. در دوران معاصر، برخی نواندیشان با ارائه خوانش‌های جدید، سعی در عرفی خواندن حکم حجاب یا تقلیل آن به وجوبی ثانوی و مشروط به عرف زمان و مکان داشته‌اند. این دیدگاه‌ها عمدتاً با استناد به شأن نزول آیات، سیره زنان در صدر اسلام، ظواهر برخی روایات، سیره عقلا و اقوال معدودی از فقها توجیه شده‌اند.

بررسی و نقد ادله این گروه نشان می‌دهد که استدلال‌های ایشان با چالش‌های جدی مواجه است. استناد به شأن نزول برای تمایز کنیزان از آزادگان، با روح مساوات طلبانه قرآن و دیگر آیات ناظر به حرمت اکراه کنیزان بر فحشا در تعارض است. روایات مربوط به زنان بادیه‌نشین نیز نه تنها دلالتی بر عرفی بودن حکم ندارد، بلکه با عبارتی مانند «إذا نهوا لا یتنهون» بر وجوب شرعی آن تأکید می‌کند. تمسک به ظواهر برخی روایات نیز با توجه به قرائن موجود در همان روایات (مانند تهدید حضرت زهرا(س) به کشف حجاب در صورت نبود حرمت) و

^{۳۸}. ر.ک: خوئی، ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۴، قم، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.

^{۳۹}. ادله و نقد دیدگاه اصالت عفاف در فصل بعدی به طور مفصل بررسی خواهد شد.

نیز ادبیات خاص فقهی الفاظی مانند «لایصلح» که بر حرمت دلالت می‌کند، خدشه‌پذیر است. ادعای وجود سیره عقلایی واحد در پوشش نیز با تنوع فرهنگی و تاریخی پوشش در جوامع مختلف بشری و حتی در غرب مدرن، منتفی است. همچنین، استناد به قول محقق اردبیلی برخلاف تصور، ناظر به نقد نظر زمخشری است و نه تأیید آن.

در مقابل، دیدگاه مشهور فقهای امامیه و اهل سنت در طول تاریخ، بر وجوب شرعی پوشش موی سر و بدن برای زن در برابر نامحرم استوار است. این وجوب، با ادله چهارگانه کتاب، سنت، عقل و اجماع اثبات می‌شود. آیات قرآن (مانند آیه ۵۹ احزاب و آیه ۳۱ نور) با صراحت به پوشش «جلباب» و «خمار» و نیز پوشاندن زینت‌ها امر می‌کند که به اجماع مفسران متقدم، شامل پوشش سر و مو می‌شود. سنت نبوی و روایات ائمه (ع) نیز با حجم قابل توجهی از احادیث، به طور عملی و گفتاری بر این وجوب تأکید داشته‌اند. عقل نیز با در نظر گرفتن فلسفه حجاب که حفظ حریم و کرامت زن و استواری نهاد خانواده است، این حکم را تأیید می‌کند. اجماع فقها نیز در طول قرون متمادی، گواهی بر مسلم و قطعی بودن این حکم شرعی است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که حجاب، به ویژه پوشش سر و مو، یک حکم اولیه و ثابت شرعی است که ریشه در نص قرآن و سنت قطعی دارد. اگرچه جزئیات، کیفیت و مدل پوشش می‌تواند تابع عرف و شرایط زمان و مکان باشد، اما اصل وجوب آن غیرقابل نسخ و تغییر است. دیدگاه‌های نواندیشانه که سعی در عرفی یا ثانوی خواندن این حکم دارند، عمدتاً متکی بر برداشت‌های شخصی، تفسیر به رأی و استناد به شواهد تاریخی ضعیف یا غیرمنسجم هستند و با ادله محکم و اجماع تاریخی علمای اسلام سازگاری ندارند.

منابع

❖ قرآن

۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۴ق.
۲. اندلسی، ابوحیان، بحرال محیط، بیروت، دارالکتب العمیه، ۱۴۲۳ق.
۳. بحرانی، یوسف، حدائق الناضرة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، محقق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت، دار طرق النجاء، ۱۴۲۲ق.
۵. بیضاوی، عبدالله بن محمد، انوار التنزیل أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۶. ترکاشوند، امیرحسین، حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ، تهران، امیرحسین ترکاشوند، ۱۳۹۰.

۷. ثعلبی نیشابوری، احمد بن محمد، الكشف و البیان، چاپ اول، محقق ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۸. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، مصر، المطبعة الخيرية المنشأة، ۱۳۰۶ق.
۹. خوئی، ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۴، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۱۰. دانشنامه اسلامی، سایت آبادیس، <https://abadis.ir/fatofa>
۱۱. سوزنجی، بررسی نظر دکتر کدیور درباره حجاب شرعی، ارسال در ۲۱ اردیبهشت، سایت شخصی حسین سوزنجی، ۱۳۹۲-<https://www.souzanchi.ir/hejab-in-sureh-noor-critic-of-adivars-opinion>
۱۲. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنتور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۳. شاهوردی، مجید؛ حبیبی تبار، حسین، نقد ادله عدم الزام پوشش موی زنان در کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ، پژوهش های فقهی، دوره هفدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰.
۱۴. صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر القرآن، ریاض، مکتبه الرشد للنشر و التوزیع، ۱۴۱۰ق.
۱۵. صدر، محمدباقر، المعالم الجدیدة للاصول، مکتبه النجاح، تهران، ۱۳۹۵ق.
۱۶. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۱ق.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۰. عاملی، حر، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۴ق.
۲۱. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ هفتم، تحقیق مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، دارالهجرت، ۱۴۱۰ق.
۲۳. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین، تهران، کتابفروشی علمی، ۱۳۳۶.

۲۴. کدیور، محسن، تأملی در مسأله حجاب، مقاله اول، وبسایت رسمی محسن کدیور، ۱۳۹۱/۵/۱.

[Http:// kadivar.com](http://kadivar.com)

۲۵. -----، مقاله پنجم، وبسایت رسمی محسن کدیور، ۱۳۹۱/۷/۱۱.

[Http:// kadivar.com](http://kadivar.com)

۲۶. -----، جزوه زمینه و زمانه مسأله حجاب، بی نا، ۲۱ خرداد ۱۴۰۲،

۲۷. -----، مسأله حجاب، وبسایت رسمی محسن کدیور، ۱۳۹۱/۱۰/۲۰.

۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالاسلامیه، ۱۳۶۷.

۲۹. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، چاپ پنجم، قم، الهادی، ۱۳۷۱.

۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.

۳۱. مجلسی، محمدباقر، لوامع صاحبقرانی، قم، مؤسسه سید الشهداء، ۱۴۱۶ق.

۳۲. محقق اردبیلی، احمد بن محمد، زبدۀ البیان فی احکام القرآن، مصحح: محمدباقر بهبودی، چاپ اول،

تهران، المكتبة الجعفریة لاحیاء الآثار الجعفریة، بی تا.

۳۳. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۲۳ق.

۳۴. موسوی، زهرا، نقد و بررسی اندیشه‌های محمد سعید عثماوی در کتاب «حقیقه الحجاب و حجیه

الحديث»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه مجازی المصطفی، استاد

راهنما: زینب طیبی، اسفند ۱۳۹۶.

۳۵